خشت اول

چرا ما ضعیف می‌شویم؟

خداوند راهی را برای بندگان مشخص کرده تا با پیمودن آن به کمال برسند و آن بندگی و صراط مستقیم و أن اعبدونی هذا صراط مستقیم. از اول بلوغ ما باید بنده صالح خدا باشیم. خداوند همه پیامبران را نیز عبد و بنده صالح خود تربیت و مبعوث می‌کند تا به مردم این معنا را یاد دهند و آن‌ها را بنده تربیت کنند.

خداوند در قرآن اطاعت از سه فرمان را واجب کرده: اطاعت از فرمان خود خدا. اطاعت از فرامین پیامبر، و من یطع الرسول فقد أطاع الله. اطاعت از اولی امر، کسانی از خود شما که بر شما حق دارند فرمان بدهند.

این سه فرمان امروز در رساله‌های عملیه آمده است. اطاعت این سه فرمان ، دنیا و آخرت را آباد می‌کند.

چرا اطاعت از فرامین خدا سخت است؟

چون انسان گرفتار غرایز است و نفس امّاره بر او حاکم است. شیطان هم قسم خورده نگذارد انسان‌ها صراط مستقیم را بپیمایند. لاقعدن لهم صراطک المستقیم، یعنی کاری می‌کنم مردم گوش به فرمان خدا ندهند.

چون خدا دید مردم گرفتار چنین دشمنی هستند، تعداد زیادی آیات به عنوان تهدید از مخالفت فرمان خدا یا تشویق بر اطاعت فرمان خدا نازل کرد. تا انسان وادار به کار خوب و ترک کار بد شود. آیاتی که عذاب‌های اخروی و نعمت‌های بهشتی را بیان می‌کند، از این دسته آیات‌اند که به انسان کمک می‌کند در دو راهی اطاعت خدا و نافرمانی او جانب تقوی را ترجیح دهد. کم آیه‌ای پیدا می‌کنید که در آن امر به تقوی وارد نشده باشد. امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرماید: خدا در اولین شریعتی که نازل کرد به مردم دستور داد تقوی را رعایت کنیم در قرآن کریم نیز همین مضمون آمده است: و لقد وصینا الذین اوتوا الکتاب من قبلکم و إیاکم أن اتقوا الله.

منافع مادی و معنوی تقوی در قرآن بیان شده است: و لو أنّ اهل القری آمنوا واتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض. اگر مردم مؤمن و متقی بودند، خدا به اندازه نیاز باران می‌فرستاد و زمین سبز می‌شدو أرزاق عمومی انسان‌ها به وفور یافت می‌شد.

امام صادق علیه‌السلام فرمود: هرسال به یک‌اندازه باران می‌بارد، منتهی وقتی اهل منطقه‌ای گناه می‌کنند، خداوند سهم باران آن‌ها را به بیابان‌ها و دریاها می‌فرستد.

قرآن تقوی را در جنگ هم مؤثر معرفی کرده است: إن تصبروا و تتقوا لا یضرکم کید هم شیئا.

یکی از آثار تقوای مستمر این است که در تنگناهای دنیا برایش گشایش فراهم می‌شود. أنّه من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب، تقوی سبب می‌شود انسان راهی را برود که از اول باید همان راه را برود، اما انسان بی‌تقوی ممکن است چهل راه طی کند و موفق هم نشود. موضوع کتاب آسمانی ما هدایت انسان‌ها به صراط مستقیم و اطاعت فرامین خداست که از طریق انجام واجبات و ترک محرمات تحقق می‌یابد...

*

ضعف ایمان معلول گناه کردن و عدم پای‌بندی عملی به اسلام است. کسی که از آزادی خود سوء استفاده می‌کند و مرتکب گناه می‌شود، خود را در وضعیت خطرناک قرار می‌دهد و دچار ضعف ایمان می‌شود. هر یک گناهی که انجام شود، ایمان را پایین می‌آورد، اما هر مراعات قانون اسلام، ایمان را بالا می‌برد. برای این‌که ایمان مردم بالا برود، ابتدا باید احکام اسلام را در جامعه پیاده کرد، آن وقت کارها درست می‌شود. تا زمانی که احکام اسلامی در جامعه پیاده نشود و ایمان مردم ضعیف بماند، رشوه می‌گیرند یا نماز نمی‌خوانند یا هر کار بدی را ممکن است مرتکب شوند. در این صورت اخلاق جامعه هیچ‌وقت اصلاح نمی‌شود. رکن اخلاق، ایمان در مرحله بالا است. راه رسیدن به این ایمان هم این است که جلوی گناه گرفته شود و مردم گناه نکنند. گناه ضد ایمان است. اگر ایمان در افراد وجود نداشته باشد، وقتی که در معرض دید پلیس نباشند، تخلف می‌کنند. ایمان ، پلیس باطنی است. افراد باایمان در خانه‌خودشان هم تخلف نمی‌کنند.

باید ابتدا از گروه‌های بالا و از خواص شروع کرد، زیرا جهت حرکت جامعه دست آنها است. مردم تشنه‌ی پیاده شدن احکام اسلامی هستند، مسئولی که چنین دغدغه‌ای دارد و تشنه‌ی خدمت به مردم است، هرگز از کار خود نمی‌زند و نمی‌گذارد که کار مردم بر زمین بماند.

حالا ایمان چگونه درست می‌شود؟ با ادامه‌تقوا. تنها راه افزایش ایمان، عمل به قانون الهی است. اگر واجبات را انجام دهیم و محرمات را انجام ندهیم، همین کار ایمان ما را بالا می‌برد. اگر تقوا نداشتیم، ایمانمان پایین می‌آید. به‌تدریج وقتی هم که آن ایمان مرحله‌اول، که هر عقلی می‌پذیرد که خدا هست از بین رفت، کم‌کم آدم به کفر گرایش پیدا می‌کند و بعد به سرحد کفر می‌رسد. خاصیت گناه این است که ایمان را پایین می‌آورد، ایمان که کم شد، انسان به سمت دنیا و گناه سوق پیدا می‌کند و بعد مرتکب گناهان بزرگ می‌شود. کسی می‌تواند از این مشکل در امان بماند که اهل تقوا و دوری از گناه باشد.

شما وقتی به صحیفه‌سجادیه نگاه می‌کنید، می‌بینید که تمام این مسائل و تمام نقاط ضعف انسان در آن مطرح شده و برای آن راهکار ارائه شده است. صحیفه‌ی سجادیه همه‌ی این خلأها را پر می‌کند. تقوا، ترک گناه، ایمان و اخلاق در آن مطرح است. ایمان و تقوا همواره در کنار اخلاق در این کتاب مطرح شده. شما می‌بینید که امام سجاد علیه‌السلام در فرازهای اول دعای مکارم‌الاخلاق، تکامل ایمان را از خداوند مسئلت می‌کنند. ضعف ایمان باعث می‌شود که انسان خمس و زکات ندهد و از جهاد فرار کند. اگر ایمان کامل شد، دیگر انسان مرتکب این گناهان نمی‌شود. این کتاب شریف، ایمان را جزئی از اخلاق حساب می‌کند، راجع به تقوا صحبت می‌کند، تقوا را هم جزئی از اخلاق حساب می‌کند. بنابراین نمی‌توان اخلاق را از ایمان و تقوا جدا کرد.

■ آیت الله عزیزالله خوشوقت
رحمت الله علیه

این...نت

چایت را بنوش! نگران فردا مباش
از گندم زار من و تو مشتی کاه می‌ماند برای بادها...
نیما یوشیج

*

سری به پنجره بزن...باد را بوسیده‌ام

*

مشترک گرامی، یارانه این ماه شما پرداخت نمی شود، شما را در پراید و در حال خوردن پسته دیده‌اند!

*

کاش به جای این همه باشگاه زیبایی اندام تعدادی هم باشگاه زیبایی افکار تاسیس می‌شد که بیشتر به آن نیازمندیم!

*

آقا نیامدی که ببینی در این دیار غریب...غروب جمعه
چه دلگیر می شود بی تو!

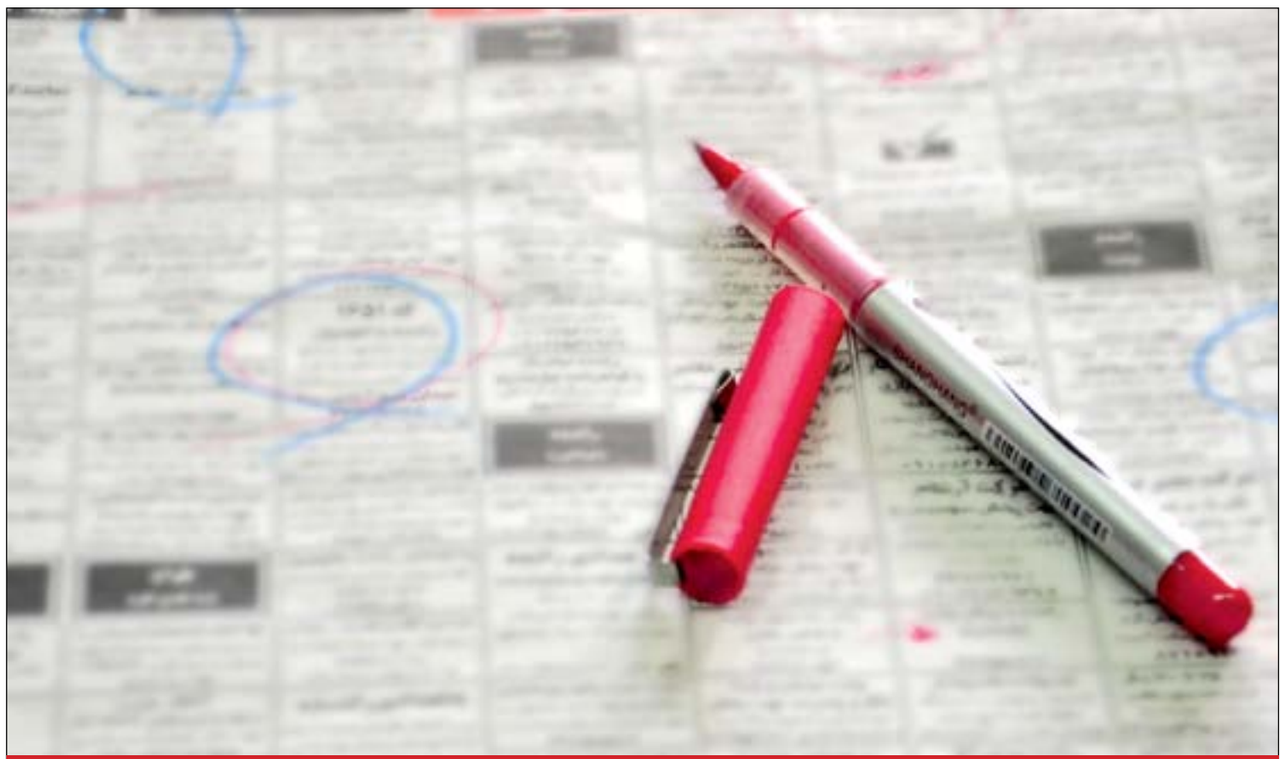

هشدار برای دختران دنبال اشتغال به هر قیمتی

چند می‌گیری برگردی خونه؟

یک میز، چند صندلی، یک دستگاه کامپیوتر و یک تلفن، تمام دار و ندار خیلی از شرکت های خصوصی است که هر روز مانند قارچ در پایتخت و شهرهای کوچک و بزرگ سبز می شوند. آگهی هایی که به دنبال جذب منشی خانم و خوش برخورد (!) هستند نیز هر روز در روزنامه های صبح دیگر مسئله عادی شده است...باید حواسمان باشد که این تب استقلال اقتصادی آن قدر داغمان نکند که فراموش کنیم، تعهدات دیگری هم نسبت به خود، خانواده و جامعه داریم. آنچه امروز می‌خوانید داستان دور باطل آنهایی است که بعد از سال‌ها بی‌بندوباری و شعار تساوی حقوق زن و مرد در کنار تحقیر و تخفیف جایگاه زن و استفاده ابزاری از او، تازه رسیده‌اند به آنچه که ما سال هاست بر اساس مکتب بی‌بدیل اسلام درباره زن، همسر و مادر می‌گوییم. به هر حال مشکلات اقتصادی نباید راهی باشد برای سوءاستفاده سودجویان، کارگر ارزان و منشی با روابط عمومی بالا(!) تنها یک جاده یکطرفه نیست، عرضه و تقاضا دست به دست هم داده‌اند اگرچه طرف متقاضی وقیحانه کارش را توجیه کند و آن را یک بیزینس بنامد. این یک تلنگر است برای اینکه مراقب باشیم ما را خواب نبرد!

■ تحریریه نسل سوم

اول: شغل‌ها رها می‌شوند؟

سایت خبری تحلیلی الترنت هفته گذشته گزارشی از محیط کاری شرکت های تولید کننده قطعات و تجهیزات کامپیوتری منتشر کرده که در نگاه اول شاید محیط شغلی تخصصی به نظر آید ولی در یک سال اخیر شکایت های بیشماری از سوی کارمندان زن این شرکت ها به دادگاه های محلی اظهار شده است.

در این گزارش به یکی از شرکت های معتبر منطقه ردوود سیتی کالیفرنیا اشاره شده است که به طور اختصاصی محل تجمع شرکت های تولید کننده وسایل و تجهیزات کامپیوتری است. این شرکت که البته کار تخصصی اش تجارت و مبادله سرمایه است با نام اختصاری CAET از نظر شکایت کارمندان زن آن به دادگاههای محلی سخت ترین محیط برای زنان شناخته شده است. «لیو اینگمن و میرا زاسلوف» دو کارمند زن این شرکت جدیدترین کارمندانی هستند که به تازگی به خاطر آزار جنسی از سوی مدیران آن که با نامهای رایان ژاکوب، جان سارگو، نیکولاس مسنر و دیوید جکسون به دادگاه کالیفرنیا احضار شده اند، کار خود را در این شرکت رها کردند.

هر دوی این کارمندان زن که دادخواست خود را در اکتبر سال ۲۰۱۲ نسبت به مدیران شرکت به دادگاه محلی کالیفرنیا ارائه کردند، از ساعت‌های کاری اضافه و بدون دلیل می گویند که تنها برای آنها وجود داشته و حتی در روزهای تعطیل نیز برقرار بوده است.

به گفته یکی از کارمندان زن این شرکت که چند ماه پیش به دلیل آزارهای مدیرش کار را رها کرده بود، در شبانه روز تمام تلفن های مدیرش را باید جواب می داد و در صورت امتناع از این کار از حقوقش کم می شد. زاسلوف نیز در جلسه دادگاه از تلفن های ساعت ۳ شب مدیرش می گوید که زیاد به امور مربوط به شرکت مربوط نمی شد. وی می گوید وقتی تلفن ها را قطع می کردم یا با سردی به آنها جواب می گفتم از سوی مدیران تهدید به اخراج می شدم. در بسیاری از جلسات خارج از محدوده کاری مجبور بودم مدیر را همراهی کنم در صورتی که تنها به عنوان مترسک برای تامین نیازهای جنسی آنها حضور داشتم که این ادعا از سوی کارمندان زن دیگر این شرکت نیز به دادگاه محلی کالیفرنیا ارائه شده است. اینگمن کارمند زن دیگر این دادخواست می گوید یک بار که مدیر شرکت به سفر کاری به لاس وگاس رفته بود از او خواسته بود در صورت عدم تمایل برای برقراری رابطه جنسی کسی را برای این کار به او معرفی کند!

سازمان ملل در گزارش نوامبر ۲۰۱۱ خود به مناسبت سالروز منع خشونت علیه زنان، از آماری تکان دهنده درخصوص تجاوزهای جنسی و خشونت های شدید علیه زنان در کشورهای غربی پرده برداشت. در بخشی از این گزارش آمده است در اروپا، ایالات متحده و استرالیا، بیش از نیمی از زنان تجاوز جنسی را تجربه می‌کنند که شمار زیادی از آنها در محیطهای کاری بیرون از خانه اتفاق می افتد. در این گزارش ذکر شده بین ۴۰ تا ۵۰ درصد زنان در اتحادیه اروپا، ارتباط جنسی ناخواسته، تماس فیزیکی یا فرم‌های دیگری از اذیت و آزار جنسی در محل کارشان را تجربه کرده‌اند. براساس این گزارش که در ماه جاری منتشر شده، هزینه خشونت و تجاوز جنسی مردان به شرکای جنسی در آمریکا، به تنهایی بالغ بر ۵،۸ میلیارد دلار در سال است. در کانادا نیز هزینه سالانه که برای خشونت علیه زنان خرج می‌شود، در حدود ۶۸۴ میلیون دلار کانادایی برای سیستم قضایی، ۱۸۷ میلیون دلار برای پلیس و ۲۹۴ میلیون دلار برای مشاوره و آموزش و جمعاً در حدود یک میلیارد دلار تخمین زده شده است. این آمار در کشور آمریکا به مراتب بیشتر است ولی به طور رسمی اعلام نمی شود. بر اساس آمار منتشر شده از هر مورد گزارش تجاوز ، ۳۵ مورد تجاوز گزارش نمی شود.

دوم: زن برابر، مرد برابرتر!

بر اساس مطالعات انجام شده ۴۲ درصد از زنان آمریکایی در اماکن کاری و تحصیلی و کانونها و خیابانها مورد تجاوز قرار می گیرند. بنابر آماری که مرکز قربانیان ملی به کمک سازمان حقوق قربانیان خشونت ارائه داده است میانگین تجاوز در ایالت متحده امریکا در هر یک دقیقه، بیش از یک زن است که معمولاً در محیطهای کاری صورت می گیرد. این مرکز می نویسد: در آمریکا از هر ۸ زن یک نفر از آنها مورد تجاوز قرار گرفته است که به شکل تقریبی، حداقل دوازده میلیون و صد هزار زن را شامل می‌شود.از سوی دیگر یک پژوهشگر آمریکایی اعلام می کند که آزار جنسی زنان در فصل زمستان که زنان کمتر از منزل بیرون می آیند کاهش می یابد.

یکی از معروف ترین کتابهایی که درباره کار کردن زنان در محیطهای خارج از خانه و آزار و اذیت های مربوط به آن در آمریکا نوشته شده است کتاب جنگ علیه زنان نوشته مارلین فرنچ است که به بررسی پدیده آزارهای جنسی زنان در محیطهای حرفه ای می پردازد. وی می نویسد: همه مردان در هر طبقه کاری که باشند، حتی اگر عده ای از آنها شرکت فعال نداشته باشند و فقط بیننده باشند، در رساندن آزار جنسی به زنان همکار و باهم همدست هستند.

حضور و مشارکت برابرِ زنان در محیط های کارِ بیرون از خانه و قرار گرفتن در کنار همکاران مرد، از جمله مقوله هایی بوده و هست که همواره از سوی دیدگاه های فمینیستی ترویج شده است. جوامع صنعتی غرب نیز در حرکتی هماهنگ، با نادیده انگاری تفاوت های زیستی و غریزی زنان و مردان، فرصت های مساوی و متعددی برای اشتغال زنان حتی در کارهایی مانند معماری، مهندسی، معدن، ارتش و... که تا پیش از این به مردان اختصاص داشت، فراهم آوردند. اما تفاوت های واقعی نادیده گرفته شده، معادله را به نفع مردان و به ضرر زنان تغییر داد. بی اخلاقی و عدم تعهد به خانواده، قدرت برتر جسمانی و تمایلات شدید غریزی مردانه از یک سو، و زیبایی و ضعف جسمانی زنان در مقایسه با مردان از سوی دیگر، موجب شد اذیت و آزار زنان از سوی مردان در محیط کار به وقوع بپیوندد. عمده گونه های این آزار جنسی شامل تحقیر زنان و توهین به آنها از طریق واگذاری کارهای حاشیه ای و پست به آنان؛ تحقیر زنان از طریق پرداخت حقوق و مزایای کمتر به آنها در مقایسه با مردان و آزارها و خشونت های جنسی مردان همکار است.

فرنچ، در بحث «جنگ با زنان در محل کار» به بررسی پیامدهای زیانبار دیدگاه های برابرنگری در محل کار می پردازد و اطلاعات و آمار ارزشمندی در این باره ارائه می دهد. به گفته او، در آمریکا با آن که ۵۵ درصد از زنان در مقابل دریافت دستمزد کار می کنند، ولی همه آنها با تبعیض روبه رو هستند. بنیادها و مؤسسات بازرگانی ادعا دارند که هیچ مانعی در راه پیشرفت زنان قرار نداده اند، با وجود این، شمار اندکی از زنان ترفیع می گیرند و کسانی که در مشاغل تخصصی و مدیریتی هستند به مراتب کمتر از همتای مرد خود، حقوق دریافت می کنند. این پدیده در همه جا، در مؤسسات بازرگانی، بنیادهای علمی حقوقی و پزشکی به چشم می خورد. این در حالی است که آزارهای جنسی در محیط کار، به اذیت و آزارهای جزیی محدود نیست و در برخی موارد، به ضرب و شتم و قتل نیز منجر می شود. محیط کار در آمریکا برای زنان به گونه ای است که علت اصلی مرگ زنان کارگر، قتل است که همتاهای آنها مرتکب می شوند.

سوم: فرار به جلوی آقای روشنفکر!

آنتونی گیدنز، جامعه شناس انگلیسی آزار جنسی زنان را در محیط کار در غرب، پدیده ای «بسیار معمول» دانسته است. به گفته او، آزار جنسی بخش بزرگی از زنان شاغل حقوق بگیر را مستقیماً تحت تأثیر قرار می دهد. از جهتی همه زنان قربانیان تجاوز جنسی هستند، زیرا ناچارند احتیاط های خاصی برای حفاظت خود به عمل آورند و با ترسِ تجاوز جنسی زندگی کنند. گیدنز، همچنین به انواع آزار جنسی زنان در محیط کار اشاره می کند و می نویسد: آزار جنسی در محل کار می تواند به عنوان استفاده از اقتدار شغلی یا قدرت به منظور تحمیل خواسته های جنسی تعریف شود. این کار ممکن است شکل های خشنی به خود بگیرد؛ مانند هنگامی که به یک کارمند زن گفته می شود: یا به یک برخورد جنسی رضایت دهد یا اخراج شود. بیشتر انواع آزار جنسی تا حدودی زیرکانه تر است؛ برای مثال، این نوع شامل فهماندن این مطلب است که پذیرفتن خواهش های جنسی، پاداش های دیگری به همراه خواهد آورد یا چنانچه این گونه خواهش ها برآورده نشود، نوعی مجازات مانند جلوگیری از ترفیع به دنبال خواهد داشت.

کارل مارکس در یکی از یادداشت های خود در کتاب «سرمایه» با اشاره به وضع اسفبار زنان در محیط کار بدون اشاره به بی اخلاقی مردان و ضعف اخلاقیات در جوامع غربی توپ را در میدان زنان می‌اندازد و می نویسد: «به این ترتیب است که خصلت های خاص زنان به زیان خود آنها تمام می شود و عوامل اخلاقی و ظریف طبیعت وی، وسایلی برای به بردگی گرفتن و رنج دادن وی می شود. به همین علت در تلخیص کتاب «سرمایه»، زنان شاغل در جوامع غربی را «حیوان لوکس یا جوان بارکشِ» جوامع مدرن معرفی می کند.

در حقیقت از عوامل موثر در آزار جنسی زنان ترویج تفکر شیء انگاری در مورد زنان است که این روزها در فیلم‌ها و رسانه‌های غربی، به صورت کالایی مطلوب و جذاب به تصویر کشیده می‌شود که همه می‌توانند و حق دارند طالب آن باشند. جذابیت تصویری زن برای فروش هرچیزی از سیگار گرفته تا قطعات یدکی اتومبیل استفاده می‌شود که با گسترش مدرنیته و ظهور گروههای به اصطلاح مدافع حقوق زنان پررنگ تر می شود. بی دلیل نیست که رسانه های گروهی و افکار عمومی در غرب به «بازگشت زنان به خانه» ابراز تمایل می کنند. روزنامه انگلیسی زبان «ملت و جهان» در مقاله ای با عنوان «بازگشت زنان به خانه» می نویسد: در ایالات متحده آمریکا، بسیاری از زنان، مشاغل خود را رها کرده و به مادران تمام وقت تبدیل شده اند.

چهارم: شاید برای ما هم اتفاق بیفتد!

این سطرها تنها قصه و گزارش ژورنالیستی نبود، مسیری است که مدعیان تمدن جهانی و توسعه با هر گفتمانی، دیر یا زود آن را تجربه خواهند کرد. در کشور ما و شهرهایی که خرده فرهنگ‌ها حرف اول و آخر را می‌زنند در صورت عدم تغییر برخی سبک‌های تزریقی زندگی مانند «ماشین کاری زن و مرد»، «همه چیز بیرون خانه»، «برای یک مشت دلار» و... کم‌کم رفتار غیر عرفی و غیرشرعی مذموم در نگاه جامعه، به معبری برای کسب درآمد تبدیل می‌شود و از میان ستون‌های ریز نیازمندی‌های صبح و شب، دیگر نمی‌توان صداقت و شایسته‌سالاری را جست وجو کرد؛ تنها باید به ارزان فروشی عقیده و عزت و شرف در برابر استخدام و اضافه کار و پاداش توجه کرد. و این یک هشدار است...

ساعت ۲۵

یکی از مریدان حسن بصری، در بستر مرگ استاد از او پرسید :
- استاد شما که بود؟
حسن بصری پاسخ داد: «صدها استاد داشته ام و نام بردنشان ماه ها و سال ها طول می کشد و باز هم شاید برخی را از قلم بیندازم.»
کدام استاد تاثیر بیشتری بر شما گذاشته است؟
کمی اندیشید و بعد گفت :در واقع مهم ترین امور را یک دزد به من آموخت. در بیابان گم شدم و شب دیر هنگام به خانه رسیدم. کلیدم را پیش همسایه گذاشته بودم و نمی خواستم آن موقع شب بیدارش کنم. سرانجام به مردی برخوردم، از او کمک خواستم، و او در چشم بر هم زدنی، در خانه را باز کرد. حیرت کردم و از او خواستم این کار را به من بیاموزد. گفت کارش دزدی است اما آن اندازه سپاسگزارش بودم که دعوت کردم شب در خانه ام بماند. یک ماه نزد من ماند. هر شب از خانه بیرون می رفت و می گفت: می روم سر کار! به راز و نیازت ادامه بده و برای من هم دعا کن و وقتی بر می گشت، می پرسیدم چیزی بدست آورده یا نه. با بی تفاوتی پاسخ می داد: «امشب چیزی گیرم نیامد. اما ان شاء الله فردا دوباره سعی می کنم.»
مردی راضی بود و هرگز او را افسرده ناکامی ندیدم. از آن پس، هر گاه مراقبه می کردم و هیچ اتفاقی نمی افتاد به یاد جملات آن دزد می افتادم: «امشب چیزی گیرم نیامد اما ان شاء الله، فردا دوباره سعی می کنم، و این جمله، به من توان ادامه راه را می داد.»

ویتامینه

روایت فتح اگرچه در سال‌های اخیر خیلی پرکار نیست اما هنوز هم آثاری منتشر می‌کند که در خور توجه است. کتاب «قاصد خنده‌رو» زندگی شهید فضل الله محلاتی از زبان ۱۴ راوی، نوشته و روایت شده است. کتاب به کوشش «فرهاد خضری» در ۲۲۵ صفحه و با قیمت ۸۴۰۰ تومان منتشر شده است.

در بخشی از این کتاب درباره «قاصد خنده‌رو از چشم مقام معظم رهبری» آمده است: «می‌دانم که شیفته نواب صفوی بود. می‌دانم که از فداییان اسلام بود. حتی می‌دانم یکی از کتک خورده‌های فداییان اسلام در مدرسه فیضیه قم بود. این اواخر گاهی با او شوخی می‌کردیم و یادش می‌آوردیم که از دست بعضی‌ها چه کتکی خورده بوده و با هم می‌خندیدیم.

ما آن زمان در قم نبودیم. اینها را بعدها از زبان خودش شنیدیم. علی‌الخصوص مأمور شدن‌اش از جانب مرحوم آیت‌الله بروجردی به غوغایی در قم که باید هر چه سریع‌تر محکوم می‌شد. خاطرمان هست که یکی دو سال پیش یک روزنامه‌ای پیدا کرده بود که عکس‌اش را در آن مأموریت چاپ کرده بودند. آمد آن را نشان ما داد. در آن عکس جوانی بود هجده نوزده ساله، ولی پرشور و مطیع، که به دستور رهبر جهان اسلام آن زمان و مرجع تقلید عام شیعه مأمور شده بود غائله را از جانب ایشان بخوابانند.

ما با شهید محلاتی در ماجراهای سال ۴۱ و ۴۲ آشنا شدیم که امام مرکز مبارزه بودند و خانه‌شان کانون رفت و آمدها بود...در سال ۵۷ و در اوج حکومت نظامی ما پیشنهاد دادیم که استادان دانشگاه و علما بیایند در دانشگاه تهران و تحصن کنند. روز قبل‌اش همه‌مان در بهشت زهرا سخنرانی داشتیم. تنها کسی که شور و هیجان جوانانه داشت و از هر کاری عار نداشت، شهید محلاتی بود. آن روز مثل همیشه محاسن‌اش را رنگ سیاه زده بود و از تریلی تریبون سخنرانی‌مان مدام بالا و پایین می‌رفت و به این و آن امر می‌کرد که کارهای به زمین مانده را نگذارند زمین بماند. اگر وقت سخنرانی شهید بهشتی بود، ایشان را وادار می‌کرد که آماده باشد و زودتر بیاید، یا اگر به خواندن قطعنامه نزدیک می‌شدیم، در تنظیم و نوشتن‌اش وقت می‌گذاشت و وسواس به خرج می‌داد.

در روز تحصن هم همین طور کوشا و جدی بود. آن روز که کارها بیشتر هم بود. قرار بود عده متحصنین زیاد باشند تا با حضورشان در کنار هم تحصن‌مان رنگ و بویی علمی و مردمی بگیرد و حکومت جرأت نکند به هر کاری دست بزند.

اینها همه محتاج هماهنگی بود. باید مایحتاج برای ماندن چند روزه این جمع در دانشگاه فراهم می‌شد، باید مشکل رفت و آمد آنها به خصوص علما زیر سایه حکومت نظامی حل می‌شد، باید پوشش خبری و مطبوعاتی این تحصن به گونه‌ایی اجرا می‌شد که هر رسانه‌ای نتواند خبر کذب پخش کند، باید کسبه و بازاری‌ها و کارگرها هم خودشان را در این تحصن سهیم می‌دانستند و می‌آمدند، و مهمتر از همه اینکه باید جان این عده محفوظ می‌ماند و هیچ مزدوری به خودش اجازه نمی‌داد به کسی سوء قصد کند.هماهنگی تمام این کارها با شهید محلاتی بود. با علما تماس می‌گرفت، با اساتید تماس می‌گرفت، با روزنامه‌ها تماس می‌گرفت، با کسبه تماس می‌گرفت، به رفت و آمدشان نظارت می‌کرد، در تصمیم‌گیری‌ها نظر می‌داد، مصوبات جمع را ابلاغ می‌کرد و خلاصه اینکه مدام در جنب و جوش بود، آن هم با چهره‌ای همیشه شاداب و پرنشاط که فقط مختص خودش بود. او در آن زمان مرد پخته و دنیا دیده‌ای بود که پنجاه سال را شیرین داشت، ولی سی چهل ساله به نظر می‌رسید.

*

بنی‌صدر از طرف امام (ره)، فرمانده کل نیروهای مسلح شده بود و در سپاه کسانی بودند که با او مخالف بودند. شهید محلاتی باید با هر دو جناح هماهنگ می‌شد و این گاهی اصلاً امکان‌پذیر نبود و سوء تفاهم‌ها از همین جا شکل گرفت، گاهی از هر دو طرف به او اهانت می‌شد و او را به عنوان واسطه نمی‌پسندیدند. او کارش را در سپاه با یک اتاق کوچک شروع کرد و سعی کرد با صبوری و آرامش پیش برود. در زمان مسئولیت‌اش مدام بین تهران و جبهه‌های غرب و جنوب در حال رفت و آمد بود. من کمتر کسی را از روحانیون می‌شناسم که این قدر به جبهه سر زده باشد.

حتی در بعضی از عملیات‌ها یا ناظر عملیات بود یا به خطوط مقدم می‌رفت. حضورش و سخنان گرم‌اش و چهره همیشه خندان‌اش و گرم گرفتن‌اش با بچه‌های سپاه و بسیج و ارتش باعث دلگرمی همه می‌شد. با بعضی از سلیقه‌ها و نظرهای سیاسی مشکل داشت، ولی هیچ وقت نشد در سخنرانی‌هایش از کسی یا به کسی بد بگوید و فکرها را از دفاع در جنگ دور کند.

خاطرم هست در اوایل انقلاب زیاد با اعضای دولت موقت میانه نداشت. تمام‌شان را از قدیم، از سال‌های مبارزه می‌شناخت و نمی‌توانست به آنها اعتقاد و اعتماد داشته باشد. اما با بنی‌صدر این طور نبود. در ظاهر دوست و رفیق بود. آن هم بیشتر به خاطر اینکه امام به همه دستور داده بودند «چون رئیس جمهور است با او بسازید».

اگر با حرف و حرکت او مخالف بود، مقابله نمی‌کرد، بلکه با رفاقت و زبان خوش سعی می‌کرد حرف‌اش را به کرسی بنشاند، برای انتخاب نخست وزیر کشمکش زیاد بود. حرف و حدیث هم زیاد بود. منتها شهید محلاتی با درایت و زبان خاص خودش کاری کرد که بنی صدر مجبور شد شهید رجایی را انتخاب کند و این در آن زمان، در اوج اختلاف سلیقه‌ها، برای خودش شاهکار حساب می‌شد...

■ فرهاد کاوه

طنز سوم

جشنواره فیلم فجر تمام شد و حالا راحت تر می‌شود از شاهکارهای اکران شده در جشنواره سخن گفت؛ شاهکارهایی که هر یک مدعی بهترین ها بودند...

مواد لازم برای فیلمسازی به سبک مسعود ده نمکی

* اکبر عبدی، یک عدد
* نیوشا ضیغمی، یک عدد
در صورت در دسترس نبودن، الناز شاکر دوست، یک عدد
* محمدرضا شریفی نیا، به میزان لازم
* اس ام اس بامزه و جوک ایمیلی، به میزان زیاد
* فیلمنامه، دو قاشق چایخوری
* حاجی یک عدد از نوع بامرام و لوطی با گرایشات جریان انحرافی!
* لوازم آرایش اصل اعلا (ترجیحا فرانسوی) به میزان اووووف
* جواد هاشمی اینا به اندازه لازم(باید توضیح بدهم که در این مورد باید دید نظر شما چیست، اگر می خواهید غلظت معنویت اثر بالا باشد از میزان بالا استفاده کنید و اگر نه، یک یا نیم عدد کافی است)
* دختران جوان، زیبا و ردیف به میزان دلخواه
* شعر، به میزان لازم

شیوه پخت:

ابتدا اکبر عبدی را در صحنه رها کنید، باقی هم به فرمان محمدرضا شریفی نیا او را همراهی کنند. استفاده از بازی های بی سر و ته نیوشا و یا یک عدد الناز ضروری است. شریفی نیا نیز به صلاحدید خودش هر زمان خواست اضافه و کم شود.

تقریبا فیلم آماده است، کمی موسیقی و همخوانی نیاز دارید که از کلیپ های پرطرفدار می‌توانید بردارید و فیلم را بپزید. یادتان باشد کمی چاشنی به دست پخت خود اضافه کنید؛ مثلا چند حکایت پندآموز از برنارد شاو یا پیامکهای همراه اول!

دقت داشته باشید که الناز یا نیوشای شما باید تا مرز ته دیگ شدن پیش بروند و آنگاه با استفاده از شریفی نیا یا عبدی، آن را زیر و رو کنید و نجات بدهید!

همچنین برای درآوردن چشم دیگر آشپزها و هنرآموزان، مقدار زیادی سیاه لشکر در پس زمینه فیلم ول کنید تا کم کم و با شعله نرم، برای خودشان جوش بزنند.

*

مواد لازم برای فیلم‌سازی به سبک استاد داریوش مهرجویی(سال ۸۶ به بعد)

یک عدد خل وضع، یک زن زیبا بدون شوهر یا در آستانه شوهر، یک مقداری خانواده ایرانی درب و داغون و یا خیلی سنتی. مقداری موسیقی و جوک و پیام اخلاقی. همراه با اطلاعات تبلیغاتی درباره فنگ شویی، خواص سنگ درمانی، آموزش انرژی درمانی، تاثیرات ذن، آب درمانی با نان اضافه، یوگا، خاک آرایی، وطن پرستی، میراث دوستی و...

فیلمنامه هم نیاز ندارد!

توجه داشته باشید از این مواد هم می شود استفاده کرد:

* یک عدد حامد بهداد
* یک عدد لیلا حاتمی یا مهناز افشار
* چند عدد رضا عطاران، فردوس کاویانی و...
* شگفتی، برای افزایش انبساط خاطر مثلا: پیرزنی که با یوگا جوان می شود یا فقیری که با انرژی درمانی، پولدار می شود.
* فلسفه، یک و نیم پیمانه، بسته به شرایط سیاسی تا ۴،۵ پیمانه هم جا دارد.

شیوه پخت: نیاز به کار خاصی نیست، مواد لازم را در یک منطقه زیبا در دامنه کوه، کنار دریا، وسط جنگل رها کنید و بگویید چند روزی دور هم باشند؛ کباب بزنند، شعر بخوانند، نقاشی بکشند، دعوا کنند، آشتی کنند، همدیگر را در آب بازی خیس کنند، دورهم آواز بخوانند و...حتما درباره اطلاعات تبلیغاتی با هم حرف بزنند، قهر کنند و استفاده کنند...دوربین هم همین وسط ها بچرخد. فیلم کاملا آماده است، خسته نباشید!

اگر می خواهید فیلم تان قوام بیابد حتما از موسیقی فولکلوریک در کنار برخی شوخی های سیاسی استفاده کنید.

■ محسن حدادی

بوی بارون